

زورنال

شماره ۷۳۹

سر دبیر این شماره: کیوان جاوید

۲۵ مه ۲۰۲۴ - ۵ خرداد ۱۴۰۳

جمهوری اسلامی و زننده و مرده رئیسی

پاسخ به ۸ سؤال



بعد از مرگ رئیسی صدها سؤال مطرح شده و جامعه در مقیاسی بی‌سابقه به این مسئله مهم عکس‌العمل نشان داده است. توجه شما را به این گفت‌وگو جلب می‌کنم. مصاحبه‌شوندگان هر کدام به یک سؤال پاسخ داده‌اند. با تشکر از همه این دوستان. کیوان جاوید

سؤال: جایگاه رئیسی در ساختار قدرت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اصغر کریمی: رئیسی از زاویه جایگاهش در سلسله‌مراتب حکومتی از بالاترین مقامات حکومت بود؛ اما از نظر سیاسی مهره مهمی نبود. سیاستمدار دست‌چندم حکومت بود. کارا‌کتر

ویژه‌های نداشت. از آنجا که به شدت گوش به فرمان
خامنه‌ای بود، رئیس‌جمهور شده بود. به او آیت‌الله
قاتل، قصاب تهران و آیت‌الله اعدام می‌گفتند به
این خاطر که عضو هیئت مرگ جمهوری اسلامی
در سال ۶۷ بود و بعدتر نیز این شغل را در
پست‌های مختلف و تا وقتی زنده بود ادامه داد.
همین سوابق او را به ریاست‌جمهوری رساند. نه
نقشی در سیاست‌گذاری‌های مهم حکومت داشت
و نه مبتکر ایده‌های مشعشعی برای حکومت بود.

همه مقامات جمهوری اسلامی در میان مردم
منفورند. رئیسی جزء منفورترین‌ها بود و هزاران
شاکی خصوصی داشت یا بهتر است بگوییم دارد.
بد نیست به یکی دیگر از صفاتی که از طرف

بازنشستگان به او نسبت داده شده هم اشاره کنم:
رئیزی بی‌عرضه برگرد برو به حوزه.

رئیس‌جمهور شدن رئیزی یک دلیل دیگر هم
داشت و آن اینکه حلقه مغضوبین بسیار گسترده
شده و حلقه اطرافیان وفادار خامنه‌ای به حداقل
رسیده است. باید یکی را از لیستی محدود بیرون
می‌کشیدند، قرعه به نام رئیزی افتاد. مرگ او
در هر صورت ضایعه‌ای برای حکومت و شخص
خامنه‌ای است.

سؤال: چه کسی می‌تواند جای خالی رئیزی را
به‌عنوان یک نوکر حلقه بگوش خامنه‌ای پُر کند؟
آیا اصلاً ممکن است؟

شهلا دانشفر: تعیین جانشین برای رئیسی معضلی برای حکومت است؛ اما جنایتکار دیگری جای او منصوب خواهد شد. ولی به طور واقعی رئیسی جانشینی ندارد. این درجه حلقه‌به‌گوشی و سرافکنندگی در مقابل خامنه‌ای را تقریباً نمی‌شود با فرد دیگری جبران کرد. یادمان باشد تمامی رئیس‌جمهورهای قبلی با خامنه‌ای سرشاخ شده بودند و به این دلیل پیدا کردن فردی مثل رئیسی شاید بتوان گفت برای حکومت غیرممکن باشد. این را هم اضافه کنم که به گفته مردم رئیسی مُرد؛ اما پرونده وی، پرونده جنایات کل حکومت است و باز می‌ماند. مرگ رئیسی ادامه پایان عمر جلادانی چون او توسط مردمی است که انقلاب

را فریاد می‌زنند. این همان پیامی است که قبلاً نیز مردم و به‌ویژه بازنشستگان در اعتراضاتشان با فریاد "رئیزی بی‌عرضه برگرد برو تو حوزه"، "رئیزی دروغگو حاصل وعده‌هاات کو"، "دولت شش کلاسه همین روزها خلاصه" رئیس و کل سرکوبگری‌های حکومت را به چالش کشیدند و با سخن گفتن از جامعه‌ای انسانی، شعار "زنده‌باد زندگی مرگ بر بردگی" سر دادند. در چنین شرایطی است که مرگ رئیس به اتفاق سیاسی مهمی تبدیل شده و بر فضای اعتراضی جامعه تأثیر گذاشته است. با چنین فریادهایی مردم هم پاسخ محکمی به حکومت و سرکوبگری‌هایش دادند و هم به مماشات گری دول جهانی.

سؤال: رژیم روز ۸ تیر را روز انتخابات رئیس‌جمهوری تعیین کرده است. موقعیت رژیم در این انتخابات چگونه خواهد بود. از دعوای درونی تا برخورد مردم به این مضحکه جدید را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

کاظم نیکخواه: رئیسی مهره‌ای کلیدی در حکومت اسلامی نبود. او یک جنایتکار تا مغز استخوان و مطیع خامنه‌ای بود. او از بیست‌سالگی دنبال پست‌هایی بود که بتواند هرچه بیشتر جنایت کند. از دادستانی تا رئیس و معاون قوه قضائیه تا کمیته مرگ سال ۶۷ و امثال اینها. به همین دلیل مرگ او بر فضای جامعه تأثیر تحول بخشی گذاشت و علاوه بر جشن و شادی،

کارنامه حکومت اعدام را جلو کشید. بخش‌های مختلف مردم جشن گرفتند و شادی کردند، نهادهای مردمی وسیعاً از او به‌عنوان جلاد و قاتل یاد کردند و کارنامه‌اش را پیش کشیدند و کل حکومت را زیر ضرب گرفتند و محکوم نمودند. این فضا در جنبش سرنگونی روح تازه‌ای دمید و فضای انقلاب را به نحو غیر قابل برگشتی تقویت نمود. فکر می‌کنم روزهای قبل و بعد از انتخاب جانشین رئیسی هم این گفتمان و این فضا یک گام جلوتر خواهد رفت. انتخاباتشان وسیعاً بایکوت خواهد شد، صندوق‌هایشان خالی خواهد ماند، روحیه نیروهایشان پایین‌تر خواهد رفت و شادی عمومی از مرگ رئیسی باز زنده خواهد شد و مردم به آنها تعرض خواهند کرد.

رئِیسی مُرد؛ اما کارنامه رئِیسی و دیگر جلادان
حکومتی تا محاکمه دست‌اندرکاران خبیث این
رژیم در دادگاه‌های مردمی باز خواهد ماند.

سؤال: موج شادی از مرگ رئِیسی را چگونه
ارزیابی می‌کنید. حس انتقام یا افسوس از اینکه
نماند تا محاکمه شود؟

حسن صالحی: مردم خوشحال هستند چون
می‌دانند با مُردن هر کدام از این جانیان هم ایران
و هم جهان جای بهتری خواهد بود. بخصوص
فردی چون رئِیسی که دستش به خون هزاران هزار
نفر آغشته بود. درعین‌حال مردم می‌دانند نبود
مهره‌های مهمی چون رئِیسی می‌تواند به بحران

و تشتت در میان بالایی‌ها دامن بزند و از این نظر ضعف دشمن را می‌بینند و خوشحال می‌شوند.

در مورد حس انتقام که پرسیده‌اید ممکن است کسانی باشند که این احساس را داشته باشند؛ ولی تصور من این است که مردم ایران انتقام‌جو نیستند. می‌خواهند این رژیم سرنگون شود. دادخواه و دنبال آن هستند که همه سران و دست‌اندرکاران رژیم که در قتل و جنایت دست داشته‌اند محاکمه شوند و از تکرار این جنایات در آینده جلوگیری شود. با این وجود مردم از مرگ "قصاب تهران" خوشحالند چرا که می‌دانند سقوط کل حکومت جلادان است.

شماری هم البته افسوس می‌خورند که رئیسی
چرا بدون محاکمه مُرد. ولی مُردن یک دژخیم
پرونده مملو از جنایت آنرا نمی‌بندد. این پرونده
از نظر ما باز است و باید به همه جنایات رئیسی
رسیدگی شود.

سؤال: صدها جوک و لطیفه از اتفاقات واقعی و
خیالی در مرگ رئیسی ساخته شده است. این
موج تمسخر رژیم را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

سینا پدram: لطیفه و جوک ساختن برای افراد و
مقامات یک رژیم بخشی از مبارزه سیاسی مردم
با این دولت‌ها و هیئت حاکمه است.

این حجم از تمسخر مرگ دیکتاتور و قصاب تهران رابطه مستقیم با انقلاب زن زندگی آزادی دارد. به قول جرج اورول هر جوکی مانند یک انقلاب کوچک هست. انقلاب امری است جدی و فکاهی و طنز، بخش "جدی‌تر" آن است. طنز و فکاهی یعنی شکستن فضای رعب و وحشت. فکاهی و طنز سیاسی اسلحه‌ای قوی از سوی "پائینی‌ها" بر علیه "بالایی‌ها" است.

مرگ رئیسی بار دیگر فرجه‌ای بود تا نفرت مردم از رژیم با موجی از شادی و طنز در هم بیامیزد. از لحظه سقوط "هلیکتلت" رئیسی تا تصاویر "اتاق بحران" با چند نقشه کاغذی در مقابل فرمانده هان سپاه در عصر و دنیای دیجیتال، از

خبر "دخالت" خارجی‌ها تا توطئه "مجتبی" همگی منبع انبساط‌خاطر مردم شدند. در مقابل تمامی دستگاه تبلیغات رژیم یک‌تنه اعلام کرد که رژیم اسلامی مانند "ماهی تابه تفلون" است که هیچ یک از این اتهامات به آن نمی‌چسبد.

سؤال: چقدر امکان می‌دهید که قتل رئیسی بر نامه زیری شده باشد؟ اگر برنامه‌ریزی شده بود چرا باید برای قتل یک مَهره گوش به فرمان خامنه‌ای دست به چنین کاری بزنند. دست پنهان چه کسانی می‌تواند در کار باشد؟

کیوان جاوید: قرائن زیادی وجود دارد و توجه‌ها را به این سمت جلب می‌کند که سقوط هلیکوپتر

رئییسی می تواند اقدامی داخلی باشد. این را نه تنها کارشناسان و کسانی که فاكتها را دنبال کردند، بلکه روزنامه‌های داخل که به باندهای مختلف درون حکومت هم مرتبط هستند مطرح می کنند.

اینکه چرا یک غلام حلقه بگوش خامنه‌ای که غیر از اطاعت از "رهبر" حرفی نمی‌توانست به زبان بیاورد باید به قتل برسد، باید گفت طبعاً ما داریم از حکومت باندهای تروریست و آدمکش که می‌خواهند سهم بیشتری از قدرت داشته باشند حرف می‌زنیم، کسانی که می‌خواهند به امکانات مادی بیشتری دسترسی داشته باشند.

این باندها از فرماندهان سپاه تا قالیباف‌ها و دیگر

مافیای جنایتکار در رأس قدرت حکومت اسلامی هستند. لیست این جانیان و باندها بسیار وسیع است که می‌توانند برای منافع مادی و سیاسی خود دست به هر قتل و کشتاری حتی در درون حکومت بزنند. کسی چه می‌داند شاید مجتبی خامنه‌ای احساس نگرانی کرده باشد و ترتیب قتل این پادوی متملق را داده باشد تا راه برای رهبر شدن خودش هموارتر شود. اما حتی اگر توطئه‌ای هم در کار نباشد وجود همین گفتمان عمومی نشان‌دهنده عدم اعتماد توده مردم به حکومت آدمکشی است که می‌تواند هر جنایتی را حتی در میان صفوف خودش مرتکب شود.

سؤال: با مرگ رئیسی دولتهایی در سطوح

مختلف نماینده به ایران فرستادند و یا تسلیت گفتند و سازمان ملل پرچمش را نیمه‌افراشته کرد، جایگاه این اقدام را چگونه ارزیابی می‌کنید و در برخورد به این دولت‌ها چه باید کرد؟

محسن ابراهیمی: تکلیف اردوغان اسلامی و شیخ‌هایی از حاشیه خلیج و باند تبهکاری مثل طالبان که با هیچ معیاری دولت نیست برای تسلیت گفتن به مناسبت هلاکت آیت‌الله اعدام معلوم است. آنها در واقع هراسشان از پس‌لرزه‌های انقلاب زن زندگی آزادی را بروز داده‌اند که شب‌وحش آینده‌شان را تیره‌وتار می‌کند. تکلیف شناخته‌شده‌ترین تروریست‌های اسلامی مثل حماس و حزب‌الله و حشدالشعبی و حوثی‌ها هم

روشن است که عازم تهران شدند تا در پوشش
تسلیت، سهم بیشتری از غارت مردم به دست
رژیم اسلامی را به جیب بزنند.

اما تسلیت بعضی از سران دول غرب و مخصوصاً
سازمان ملل برای پرچم نیمه‌افراشته با توجیه
مضحک و دغل کارانه "عرف دیپلماتیک" برای
هلاکت "آیت‌الله قاتل" که عفو بین‌الملل از او
به‌عنوان مرتکب "جنایات علیه بشریت" نام‌برده
است، یک لکه ننگ چرکین و خونین در کارنامه
سیاسی آنهاست.

ما خالقان انقلاب زن زندگی آزادی، به آنها
هشدار می‌دهیم که از دغلکاری و حسابگری‌های

کوتاه‌بینانه و مشمئزکننده تحت پوشش ”عرف دیپلماتیک“ که عملاً یک رذالت دیپلماتیک است دست بردارند. قبل از آنکه دیر شود از انقلابیون زن زندگی آزادی عذرخواهی کنند. پیش از برآمد موج بعدی انقلاب باشکوه زن زندگی آزادی، این لکه ننگ چرکین و خونین را از پیشانی خود پاک کنند.

سؤال: مرگ رئیسی در روند انقلاب زن زندگی آزادی چه تأثیری دارد؟

مصطفی صابر: جواب این سؤال را روشن تر از هر جا می‌توان در عکس‌العمل خامنه‌ای پیدا کرد. هنوز ساعاتی از خبر گم‌شدن هلی‌کوپتر حامل رئیسی

نگذشته بود که خامنه‌ای خود را ناگزیر دید تا به مردم اطمینان خاطر بدهد که هر اتفاقی برای رئیسی بیفتد هیچ تأثیری بر امور ندارد و همه چیز امن و امان است! خامنه‌ای حتی قبل از اینکه خبر مرگ رئیسی قطعی شود داشت به مردم هشدار می‌داد که یک‌وقت تصور نکنید حالا که رئیسی سقوط کرد کل نظام سقوط خواهد کرد.

انقلاب زن زندگی آزادی آنجاست. دارد به حیات خود و به تطور و تحول و تکامل خود در عمق جامعه ادامه می‌دهد. کسی درست نمی‌داند کی و چطور مجدداً سربلند کند. اما هر کسی می‌تواند حدس بزند که این بار مجرب‌تر و رادیکال‌تر و زیورتر و کننده‌تر خواهد بود. مرگ رئیسی و

خوشحالی مردم از آن پیام حضور و تهدید انقلاب
را هم به رژیم رساند و هم به دنیا. حالا احتمال
تشدید کشمکش‌های درونی جمهوری اسلامی به
دنبال سر به نیست شدن رئیسی، برگزاری حتی
یک انتخابات باسماه‌ای، و یا هر عاملی که ذره‌ای
باعث تضعیف جمهوری اسلامی شود و یا بتواند
به‌عنوان بهانه‌ای برای حرکت جمعی توسط مردم
استفاده شود، همه می‌تواند در جهت قدرت‌گیری
انقلاب عمل کند.

شنبه ۵ خرداد ۱۴۰۳

۲۵ مه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

<http://journalfarsi.com>

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال